

فهم تربیت زیبایی شناختی و هنری از دیدگاه آموزگاران دوره ابتدایی*

© عبدالله خسروانی مقدم^۱ © دکتر علی شیروانی شیرازی^۲ © دکتر جابر اکبری^۳

چکیده:

هدف کلی این پژوهش، فهم تربیت زیبایی شناختی و هنری از دیدگاه آموزگاران دوره ابتدایی شهر یاسوج بود. ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری یکی از شش ساحت اصلی تربیت در سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران است. این پژوهش، به صورت مطالعه ای کیفی از نوع تحلیل استقرایی با نظام کدگذاری طراحی و اجرا شده است. مشارکت کنندگان این پژوهش ۲۱ نفر از آموزگاران دوره ابتدایی شهر یاسوج بودند. داده های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته به شیوه هدفمند و با رعایت قاعده اشباع نظری گردآوری شده و تحلیل آنها به شیوه تحلیل محتوای استقرایی انجام گرفته است. بر اساس یافته های پژوهش، الف) در بخش اهداف ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری مقوله های محوری استخراج شده عبارت اند از: ۱. شکوفایی زیبایی و هنر، ۲. هدف تربیت هنری لزوماً پرورش هنرمند حرفه ای نیست، ۳. شناسایی استعداد و شکوفایی خلاقیت و رشد همه جانبه ابعاد احساسی، عاطفی و شناختی متربیان. ب) در بخش جهت گیری کلی ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری نیز مقوله های محوری، ۱. هنر همچون هدف و ۲. هنر همچون ابزار تشخیص داده شده اند. ج) در بخش اصول ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری ۱. اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی شناسانه در یادگیری سایر دروس، ۲. اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی شناسانه در کشف استعدادها و پرورش قدرت خلاقیت کودکان و ۳. اصل رمزگشایی واکاوی و خلق معنا تشخیص داده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بر اساس فهم آموزگاران، در نظام تعلیم و تربیت کشورمان تربیت هنری و زیبایی شناسی در دوره ابتدایی آن گونه که باید، مورد توجه قرار نگرفته و به درس هنر در دبستان اهمیت درخور داده نمی شود.

کلید واژگان: تربیت هنری، تربیت زیبایی شناختی، آموزگاران، دوره ابتدایی

☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۴

☑ تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۶

* این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. abd.khosravani@gmail.com
۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ali_shiravani@cfu.ac.ir
۳. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ja.akbari@cfu.ac.ir

■ مقدمه و بیان مسئله

تربیت هنری و زیبایی‌شناختی که در رشد کودکان و بروز استعدادها و قابلیت‌های شناختی، عاطفی و مهارتی آنان نقشی بارز و تأثیری سازنده دارد، یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت در حوزه آموزش ارزشی است که باید در برنامه‌درسی مدارس دوره ابتدایی مورد توجه جدی قرار گیرد، اما این بعد از تربیت در نظام آموزشی کشور ما با محدودیت‌ها و موانعی در حوزه نظر و عمل مواجه است. این بعد و ساحت تربیت اخیراً در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در حوزه نظری در کنار سایر ساحت‌های اساسی تربیت، مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گرفته اما در حوزه برنامه‌درسی و اجرا، آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است.

تربیت هنری و زیبایی‌شناختی و به‌طور کلی توجه به انواع ارزشها اعم از ارزشهای اخلاقی، ارزشهای زیبایی‌شناسی و هنری و ارزشهای مذهبی (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۰) در زندگی انسان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند و در واقع جهان‌بینی و نگرش انسانها به زندگی و هستی، وابسته به نظام و نگاه ارزشی آنان است (برنامه‌درسی ملی، ۱۳۹۱: ۲۶ - ۲۵).

به باور صاحب‌نظران، تربیت زیبایی‌شناختی، «اصطلاحی مرجح برای اطلاق به آن دسته از اعمال تربیتی است که با هدف آشناکردن متربیان با زیبایی و هنر، ارائه فهمی از هنر به آنها، ایجاد حس قدرشناسی از آن و پرورش خلاقیت هنری، صورت می‌گیرد» (الیاس^۱، ۱۹۹۵؛ ترجمه ضرابی، ۱۳۸۵). جروم هاوسمن^۲ (۱۹۷۱)، تربیت هنری را ناظر بر آموزش حواس مختلف، رشد تجارب لمسی، حساسیت و برخورد عمیق با جلوه‌های بصری هنری و نقادی هنرمندانه می‌داند (تسلیمان و همکاران، ۱۳۹۶).

به‌طور کلی هدف اصلی آموزش زیبایی‌شناختی را می‌توان به‌مثابه یادگیری، از طریق و درباره هنر تعریف کرد. به عبارت دیگر هدف اصلی آموزش زیباشناختی، پرورش سواد هنری در دانش‌آموزان است. ماکسین گرین^۳ در این مورد خاطر نشان می‌کند که آموزش متفکرانه از نتایج کار هنری با رسانه‌ها و وسایلی چون نقاشی، سفالگری، موزیک، گفتار و نوشتار و حرکات بدنی است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۵: ۱۹۱). آیزنر^۴ همواره این دل‌مشغولی را داشته است که مدارس ارزش هنر را نادیده گرفته‌اند و مجموعه‌ای از جهت‌گیریهای نامتعادل در آموزش و پرورش صورت گرفته است. او معتقد بود که محیط، نگرشهای هنری را شکل می‌بخشد و تعلیم و تربیت هنری سهمی بسزا در رشد کودکان دارد. او اعتقاد داشت که جهت‌گیریهایی که در آن تنها به کودکان مواد هنری ارائه می‌شود به این امید که خلاقیت آنها به جریان بیافتد به برنامه‌هایی بدون ساختار، دارای محتوای هنری محدود و اهداف سطح پایین منجر می‌شود (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۵: ۱۹۵).

1. Elias
2. Hausman
3. Greene
4. Eisner

آموزش هنر و تربیت هنری در رشد و بروز استعدادها و قابلیت‌های شناختی، عاطفی و مهارتی دانش‌آموزان نقش و تأثیری سازنده دارد. این تأثیرات البته به دلیل وجود قابلیت‌های ذاتی و نهفته در قلمرو هنر است، چرا که هنر تجسم خلاقیت انسان و حس زیبایی‌شناسی اوست. درس هنر فرصتی را برای پرورش حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت، تسهیل یادگیری درسهای دیگر، بیان آزادانه احساسات، کشف مشکلات عاطفی و رفتاری، ابراز وجود و ارائه تجربه‌های شخصی، تلطیف عواطف، تشریک مساعی فکری، توسعه ارزشها و نظایر آن را فراهم می‌آورد. آموزش هنر دارای کارکردهای بسیار مهمی است که می‌تواند شخصیت فرد را برای اجتماعی زیستن و دقیق و حساس بودن پرورش دهد. از این رو آموزش هنر به کودکان و آشنا کردن آنها با انواع هنرهای رایج، که بر پایه طبیعت درونی متنوع اطرافشان بنا شده باشد، دارای اهمیت و ضرورت تام است (کارگذار و همکاران، ۱۳۹۸). ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، به عنوان یکی از شش ساحت اساسی تربیت، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف و احساسات زیبایی‌شناختی شامل درک، قدردانی و خلق آثار هنری و قدردانی از آثار ارزشهای هنری ایرانی اسلامی است (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰: ۳۰۷).

هرچند پیشینه توجه بشر به مقوله زیبایی‌شناسی و هنر به گذشته‌های دور برمی‌گردد و فیلسوفان نامداری چون افلاطون و کانت به‌طور مفصل و با جهت‌گیریها و رویکردهای مختلف در مورد آن اظهار نظر کرده‌اند، کاناتلا^۱ (۲۰۲۰)، با امکان آموزش و تأکید بر جنبه آموزشی بودن هنر، می‌نویسد که این واقعیت است که آموزگاران هنر باید آموزش دهند که هنر چیست و چگونه به زندگی واقعی مرتبط است. جهان، به مثابه عقاید و ادعاهای عقلانی، مفهومی، تخیلی و تاریخی و فرهنگی است که در آن، میان هنر و زندگی تقارن وجود دارد که مکاشفات آن مورد توجه جامعه است (لی^۲ و همکاران، ۲۰۱۸)، اما اوج‌گیری و بالیدن فلسفه آموزش زیبایی‌شناسی و هنری تقریباً به دهه ۱۹۵۰ بر می‌گردد (مارک^۳، ۱۹۹۹). کولیر^۴ و همکاران (۲۰۱۸)، نوعی رویکرد زیباشناختی به آموزش را توصیف می‌کنند که در آن آموزگاران در ایجاد اخلاق مراقبت در دانش‌آموزان و ارتقای احساس مسئولیت اجتماعی آنها را حمایت می‌کنند. آنان دیدگاهی متفکرانه و هنری از آموزش ارائه می‌دهند. از نظر آنان هنر فرصتی برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا تأمل و درکی عمیق‌تر از موضوعات داشته باشند و ایده‌های خود را شکل دهند و برای ابراز و بیان ایده‌های خود، روشهایی متفاوت را کشف کنند.

یافته‌های نیوتن و دانکین^۵ (۲۰۱۱)، ضمن اینکه مؤید تأثیر هنر بر خلاقیت‌اند، بیان می‌کنند که محیط‌های آموزشی برانگیزاننده خلاقیت، سبب افزایش قدرت ایده‌پردازی و اعتماد به نفس می‌شود.

1. Cannatella
2. Li
3. Mark
4. Collier
5. Newton & Donkin

نتایج پژوهش گریسون^۱ (۲۰۱۱) نشان داد که این قابلیت‌ها در هنرهای تصویری وجود دارند که به‌مثابه موتوری متحرک برای هدایت مسیر خلاقیت و نوآوری در مدرسه باشند. البته لازمه این تأثیرگذاری پرداختن به نقادی هنری و نه صرفاً آموزش هنر است.

از پژوهش‌های داخلی در این زمینه می‌توان به مواردی اشاره کرد. هدف اصلی پژوهش کارگذار و همکاران (۱۳۹۸) بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی در ایران و ژاپن بود. نتایج این مقایسه و ارزیابی نشان داد که اساساً تربیت هنری در نظام آموزشی کشور ما در مقایسه با کشور ژاپن، از یک‌سو با محدودیت‌های نظری و فکری و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرایی و عملی مواجه است. محدودیت‌های نظری ریشه در عدم باور برنامه‌ریزان و کارورزان آموزشی به ضرورت و نقش ویژه تربیت هنری در شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان و تحقق هدف‌های نظام آموزشی دارد. از این رو، تربیت هنری در کشور ما همواره دارای نقش و جایگاه فرعی در برنامه‌های درسی مدارس است. موانع اجرایی هم ناظر بر مشکلات و کمبودهای عمده‌ای است که در زمینه اجرای مناسب برنامه درسی هنر در مدارس وجود دارد.

در پژوهشی دیگر به اهمیت کارکرد نظام آموزش در زمینه پرورش قابلیت‌های زیبایی دانش‌آموزان توجه شده که در صدد بازشناسی، تبیین و اعاده جایگاه شایسته تربیت هنری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی از طریق طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی هنر و نیز مقایسه آن با برنامه درسی رسمی است (امینی، ۱۳۹۷). در پژوهشی دیگر توانایی تشخیص آثار زیباشناسانه از غیر زیباشناسانه در دانش‌آموزان رده‌های سنی گوناگون شهر تهران مقایسه و بررسی شده است (رشید و همکاران، ۱۳۸۷). در پژوهشی دیگر به بهبود کیفیت برنامه‌های درسی و توجه به رویکرد تلفیقی توجه شده است (شرفی، ۱۳۸۶). در پژوهشی دیگر به تبیین دیدگاه بروی درباره زیبایی‌شناسی و کاربردهای عام و خاص آن برای تعلیم و تربیت اقدام شده است (رضایی، ۱۳۸۹). همچنین درباره توجیهات فلسفی تربیت زیبایی‌شناختی نیز فلاسفه به پرورش قدرت تخیل، زمینه‌های روان‌شناسی، تأمین رشد نیروی عقلانی، رشد اخلاقی و انتقال فرهنگ و پرورش تجربیات زیبایی‌شناختی اشاره کرده‌اند (الیاس، ۱۹۹۵؛ ترجمه ضرابی، ۱۳۸۵). از نظر جعفری و دیویی، کل نظام تعلیم و تربیت باید آمیخته به زیبایی و هنر باشد و به تبع آن، تمام تلاش‌های جدی مربوط به تدریس باید به قصد خلق شرایطی صورت گیرد که طی آن، تجربه یادگیرنده جنبه زیبایی‌شناختی پیدا کند (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷).

با بررسی پیشینه پژوهش به نظر می‌رسد که یکی از مسائل موجود در زمینه تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، نداشتن فهم عمیق و درست از این ساحت اساسی تربیت و در نتیجه محدود کردن یا خلاصه کردن این بعد از تربیت به نفع سایر ابعاد و ساختارهای تربیت به‌ویژه تربیت علمی و عقلانی است. به گزارش کارگذار و همکاران (۱۳۹۸) تربیت هنری در نظام آموزشی کشور ما با محدودیت‌های نظری و

1. Grierson

فکری و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرایی و عملی دست به گریبان است که موانع اجرایی ناظر بر مشکلات و کمبودهای عمده‌ای است که در زمینه اجرای مناسب برنامه درسی هنر در مدارس وجود دارد. از آنجایی که فهم معلم به منزله یکی از مهم‌ترین عناصر برنامه درسی از این بعد تربیت در مدرسه نقشی بسیار تأثیرگذار بر اجرای برنامه تربیت هنری دارد، در این پژوهش مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. باتوجه به اینکه ساحت‌های ششگانه تربیت مبتنی بر ساحت‌های اساسی و ابعاد اصلی وجود انسان‌اند، توجه به تعلیم و تربیت و عناصر آن و به‌ویژه معلم به هریک از این ساحت‌ها، به سهم خود بسیار ضروری است. داشتن فهم عمیق و درست و توجه اساسی آموزگاران و معلمان به این بعد از تربیت است که به ایجاد، پرورش و تقویت احساسات و عواطف مطلوب و پرورش حس زیبایی‌شناسانه و قدردانی از زیبایی‌ها و همچنین بالارفتن قدرت خلاقیت در دانش‌آموز منجر می‌شود. بنابراین، در این پژوهش فهم آموزگاران شهر یاسوج از اهداف، حدود و قلمرو، رویکرد و اصول ساحت زیبایی‌شناختی و هنری به‌مثابه یک مسئله ضروری در تعلیم و تربیت مورد کنکاش قرار گرفته است. از این رو این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آموزگاران مدارس دوره ابتدایی شهر یاسوج چه فهمی از تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارند؟

■ روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به‌صورت مطالعه‌ای کیفی و به شیوه تحلیل استقرایی با نظام کدگذاری طراحی و اجرا شده است. مشارکت‌کنندگان بالقوه در این پژوهش همه آموزگاران مدارس دوره ابتدایی شهر یاسوج بودند. پژوهشگر برای دستیابی به تجارب آموزگاران شهر یاسوج اقدام به نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند از نوع شبکه‌ای (گلوله‌برفی) کرده است. براین اساس نمونه‌گیری با نخستین مشارکت‌کننده آغاز و تا انتخاب نفر بیستم از آموزگارانی که اشباع داده‌ها حاصل شد، ادامه یافت و البته یک نفر دیگر هم برای اطمینان از اشباع داده‌ها مورد مصاحبه قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که از مصاحبه‌شونده خواسته شد که به توصیف تجارب و خاطرات خود بپردازد. پرسشهای مصاحبه با مشورت متخصصان و اساتید دانشگاه فرهنگیان و تأیید نهایی استاد راهنما و استاد مشاور طرح شدند که محورهای کلی پرسشها عبارت‌اند از:

۱. به‌عنوان یک معلم چه فهم یا تجربه‌ای از هدف (اهداف) ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارید؟
۲. به‌عنوان یک معلم چه فهم یا تجربه‌ای از حدود و قلمرو ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارید؟
۳. به‌عنوان یک معلم چه فهم یا تجربه‌ای از رویکرد (جهت‌گیری کلی مشخص و منسجم درباره ماهیت و چگونگی مواجهه با تربیت هنری) ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارید؟
۴. به‌عنوان یک معلم چه فهم یا تجربه‌ای از اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارید؟

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از این پژوهش از روش کدگذاری موضوعی استفاده شد. پس از انجام دادن مصاحبه و پیاده کردن آنها روی کاغذ، از کدگذاری باز (شامل خواندن خط به خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و جملات و خاطرات اصلی، تشکیل مقولات و طبقات اولیه) و کدگذاری محوری (شامل طبقه‌بندی داده‌ها، مشخص نمودن زیرطبقات) و کدگذاری انتخابی یا گزینشی (شامل تشکیل مقولات اصلی و نهایی از مقولات ایجادشده از طریق کدگذاری محوری) استفاده شد. بنابراین مراحل روش مقایسه مستمر تحلیل داده‌ها به‌طور مختصر به‌صورت شکل شماره ۱ است.

کدگذاری استقرایی مقوله‌ها و مقایسه همزمان
واحدهای معنایی در میان مقوله‌ها

اصلاح و پالایش مقوله‌ها

یافتن روابط و الگوها در میان مقوله‌ها

ترکیب داده‌ها و بازنویسی پژوهش

شکل ۱. مراحل روش مقایسه مستمر (میکوت و مورهاوس^۱، ۱۹۹۴)

بر اساس مراحل شکل شماره ۱، ابتدا هر مصاحبه تلفنی انجام و ضبط شده و پس از پیاده‌کردن مصاحبه‌ها روی کاغذ، همه مطالب چند مرتبه با دقت مطالعه و نکات مرتبط با پدیده مورد بررسی استخراج شده است. در مرحله دوم پژوهشگر سعی در استخراج مفاهیم مرتبط با پژوهش و پدیده مورد بررسی از متن کرده است. در مرحله سوم مفاهیم استخراج شده از متن مرحله یک، در دسته‌های هم‌مفهوم قرار گرفته است. این کدها بر اساس پدیده‌های کشف‌شده در داده‌ها که مستقیماً به پرسش پژوهش مربوط می‌شوند، دسته‌بندی شده‌اند. در مرحله چهارم پژوهشگر میان پدیده‌های

1. Maykut & Morehouse

اصلی به دست آمده دست به انتخاب زده و در نتیجه مقولات محوری شکل گرفته است. در پایان از برهم‌نهی مقولات محوری، سه مقوله (الف) اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، (ب) رویکرد ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری و (ج) اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری استخراج شده است.

در این پژوهش برای تعیین اعتبار، یافته‌ها به شرکت‌کنندگان در مصاحبه جهت بازبینی ارائه شده و از نظر صحت و کامل بودن مورد تأیید آنها قرار گرفته است. در ضمن تا حد ممکن سعی شده است که در انتخاب نمونه‌ها تنوع لازم در نظر گرفته شود. بر همین اساس آموزگاران از مدارس متفاوت شهر و روستا، معاون آموزگار، راهبران آموزشی، آموزگاران چندپایه و تک‌پایه با مدرک‌های متفاوت از کارشناسی تا کارشناسی‌ارشد، با سنوات متفاوت از چهار سال تا در آستانه بازنشستگی انتخاب شدند.

■ یافته‌های پژوهش

پس از بازبینی داده‌ها و با مقایسه مستمر آنها و همچنین با روش کدگذاری محوری نکات مشترک و مشابه در یک طبقه‌بندی جامع‌تر به نام مفاهیم^۲ قرار گرفتند.

پس از اینکه در روند کدگذاری باز، داده‌ها به مفاهیم و طبقه‌بندیها تقسیم می‌شوند، کدگذاری محوری، آنها را به سمت هم می‌کشاند تا ارتباط آنها و طبقه‌بندیها و زیرطبقه‌بندیها را در شکلی جدید نشان دهد، بنابراین هدف اصلی کدگذاری محوری این است که داده‌هایی را که در فرایند کدگذاری شکسته شده‌اند، دوباره گردآوری کند. کدگذاری محوری، مرحله‌ای از تحلیل است که پس از مرحله کدگذاری باز انجام می‌شود. کدگذاری محوری را کوربین و اشتراوس^۳ فرایندی می‌دانند که طی آن، مفاهیم به هم ربط داده می‌شوند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸). در این کدگذاری، ما در پی برهم زدن و پیوستن طبقه‌بندی هستیم، تا یک تبیین دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده را ارائه دهیم. کدگذاری محوری، برقراری ارتباط میان طبقه‌بندیها با طبقات خردتر و ابعادشان است (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷).

در فرایند گردآوری اطلاعات گام به گام مفاهیم و گزاره‌های مرتبط مشخص و انباشته شدند تا اینکه از مصاحبه بیستم اشباع نظری حاصل شد. فرایند کدگذاری در نهایت به استخراج هشت مقوله فرعی منجر شد که در سه مقوله اصلی با عناوین زیر دسته‌بندی شدند:

۱. اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری
۲. رویکرد ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری
۳. اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

1. Revising
2. Concepts
3. Corbin & Strauss

جدول ۱. نکات کلیدی و مفاهیم محوری و مقوله مرکزی حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها

مقوله کلی	مقوله‌های محوری	مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها
اهداف ساخت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری	۱. شکوفایی شناخت، گرایش و تمایل به زیبایی و هنر	● زیباشناسی مورد توجه دانش‌آموزان است زیرا در ذات آنها نهفته است که در فرایند تربیت باید شکوفا شود. ن ۱۳۷م ● انسان چون خالقش زیباست، فطرتاً زیبادوست است و این گرایش و تمایل در وی باید تقویت شود. ن ۱۹۹م ● زیباپرستی بالقوه است باید بالفعل بشود. زیرا زمانی‌که بالفعل شد انسان را به قدرت تخیل و در نهایت به خداشناسی می‌رساند. ن ۲۲۹م ● انسان به‌صورت غریزی زیبایی را دوست دارد. ن ۲۳۰م ● اساس و ذات هر کاری زیبایی است که جهت تاثیرگذاری باید شناخته و شناسانده شود. ۱۷م ۵۴۸ ● انسان تابع زیبایی درونی است. ن ۵۴۹م ● روح انسان همیشه در جست‌وجوی زیبایی است. ن ۵۵۹م ● خداشناسی ذاتی یکی از مقوله‌های زیباشناختی است که در تربیت باید مورد توجه قرار گیرد. ن ۳۴م ● هنر مخصوص ذات حقیقی است. ن ۶۴م ● اساس و پایه هر کاری هنر است. ن ۳۶۸م ● اساس زندگی ما براساس هنر است. ن ۳۷۲م ● هنر روح انسان را ارضا می‌کند. ن ۳۸۴م ● زیبایی‌شناسی و هنر طبیعتاً در انسان است. ن ۳۳م
	۲. هدف تربیت هنری لزوماً پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست.	● هوش بچه‌ها در تمام زمینه‌ها کامل نیست. ن ۱۵۰م ● تربیت هنری طوری برنامه‌ریزی و اجرا شود که اکثراً بتوانند آن را درک کنند. ن ۱۴۷م ● به علاقه دانش‌آموز بستگی دارد. ن ۱۳۹م ● بستگی به هوشهای چندگانه دارد. ن ۱۴۹م ● به تجربه‌های موجود و حس زیبایی آنها بستگی دارد. ن ۱۵۳م ● در موضوعات مختلف متفاوت است. اما زمینه‌هایش فرق دارد. ن ۱۵۵م ● به استعداد آنها بستگی دارد. ن ۱۵۷م ● چون بعضی در هوش منطقی بعضی در هوش ریاضی و بعضی در هوش فضایی استعداد دارند. ن ۱۵۹م ● حس زیبایی‌شناسی آنها را تقویت کنیم. ن ۱۶۰م ● هدف ما این نیست که همه به این ادراک برسند. ن ۱۶۱م ● برای حرفه‌ای شدن در هنر، تخصص لازم است. ن ۱۰۸م ● تربیت هنری تخصص خاص می‌خواهد. ن ۱۱۱م ● در کلاس تفاوت‌های فردی زیادی وجود دارد. ن ۱۱۲م ● هدف پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست. ن ۱۱۹م ● هدف در دوران کودکی ساختن ذهنیت زیباست نه آموزش تخصصی هنر. ن ۱۲۰م

جدول ۱. (ادامه)

مقوله کلی	مقوله های محوری	مضامین مستخرج از مصاحبه ها
اهداف ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری (ادامه)	۳. شناسایی استعداد و شکوفایی خلاقیت و رشد همه جانبه ابعاد احساسی، عاطفی و شناختی افراد	- هدف پرورش خلاقیت است. ن ۴م۱۴۰ - شناسایی استعدادها و شکوفاکردن استعدادها. ن ۲م۷۴ - مشاهده کردن هر چیزی که خدا خلق کرده بتواند آن را به تصویر بکشد تا بتواند آن را تفسیر کند. ن ۲م۷۷ - زمینه ای فراهم شود تا دانش آموز و معلم قریحه هنری خود را بهتر درک کنند. ن ۲م۹۴ - باید از راه هنر احساسات و توانایی کودکان پرورش یابد. ن ۲م۱۰۱ - آگاه ساختن دانش آموز که بتواند از استعداد و قدرت خلاقیت هنری خودش استفاده کند. ن ۲م۱۰۳ - شجاعت در خلق آثار هنری. ن ۳م۱۲۲ - در مقطع ابتدایی در پی ساخت هنرمند نباشیم بلکه کشف استعداد و کمک به شکوفایی و خلاق بار آوردن کودکان مهم است. ن ۳م۱۲۸ - بتوانند احساسات خود را از طریق هنر بیان کنند. ن ۳م۱۳۲ - یک نقاش باید خوب ببیند تا بتواند خوب نقاشی کند. بنابراین حواس پنجگانه کودکان باید پرورش یابد. ن ۶م۲۲۲ - حس لامسه هم باید تقویت بشود. ن ۶م۲۲۵ - انواع حسها باید تقویت بشود تا بتواند مهارت لازم را کشف کند. ن ۶م۲۲۶
	۱. رویکرد هنر همچون هدف	- رسانه های جمعی می توانند جهت دار باشند با ساحت های تربیت زیبایی شناختی و هنری. ن ۱۶م۵۲۶ - خود هنر هدف است. ن ۵م۱۸۱ - در آموزش ما بیشتر باید کیفیت مدنظر باشد. ن ۵م۱۸۲ - هنر جهت گیری روحی و روانی و عاطفی هم دارد. ن ۱۶م۵۱۹ - رشد فعالیتهایی که در زندگی با آنها سروکار داریم چون زندگی هنر است. ن ۱۶م۵۱۵ - هنر هدف باشد تا فرد وقتی به حل مسئله می رسد از حل هنرمندانه مسئله بتواند لذت کافی ببرد. ن ۱۲م۳۹۱ - هنر هدف نباشد. لذت یادگیری در فرد ایجاد نمی شود. ن ۱۲م۳۹۲ - موضوع محوری در تربیت هنری اهمیت دارد؛ یعنی چه موضوعی را چه اصلی را مورد توجه قرار بدهیم. ن ۱۷م۵۶۵
	۲. رویکرد هنر همچون ابزار	- در جامعه امروزی هنر متأسفانه جهت گیری اقتصادی دارد. ن ۱۶م۵۱۸ - در بعضی جاها هم فراتر می روند و موسیقی های نامناسب را رواج می دهند. ن ۱۶م۵۳۵ - در بعضی جاها حتی موسیقی را هم حرام می دانند. ن ۱۶م۵۳۴ - متأسفانه ما الان داریم جهت گیری را نسبت به زیبایی شناختی منفی می کنیم. ن ۱۶م۵۳۹ - نقاشی، موسیقی و خط و خوشنویسی را برخی به هدف رسیدن به درآمد مدنظر قرار می دهند. ن ۵م۱۸۴ - به درس هنر به رشته هنر در مقطع ابتدایی اهمیت داده نمی شود. ن ۷م۲۴۱ - هنر در تعلیم و تربیت کشور ما نادیده گرفته شده. ن ۱۶م۵۲۷ - در آموزش و تربیت ما واقعاً ارزشی برای هنر قائل نشده ایم. ن ۱۳م۴۲۹

جدول ۱. (ادامه)

مقوله کلی	مقوله‌های محوری	مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها
اصول ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه	۱. اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در یادگیری سایر دروس	● توجه به خلاقیت و کارهای عملی کودکان را در سایر دروس موفق می‌کند. ن ۱۸م،۵۷۷ ● توجه به هنر و زیبایی‌شناسی در تربیت در واقع توجه به تفاوت‌های فردی است. ن ۱۸م،۵۷۸ ● نگاه زیبایی‌شناختی و هنری به آموزش و یادگیری، مهم‌ترین روش یادگیری است. ن ۱۸م،۵۸۷ ● تأکید بر پرورش تخیل دانش‌آموزان در دروسی که نیاز به تصور و تجسم فضایی دارند مانند ریاضی بسیار مؤثر است. ن ۱۸م،۵۹۴ ● توجه به اصل زیبایی‌شناختی در جامعه. ن ۱۸م،۵۹۸ ● توجه به حفظ آثار هنری و حفظ میراث فرهنگی در دروس علوم اجتماعی اهمیت دارد. ن ۱۸م،۶۰۰ ● توجه به تاریخ هنر در فهم عمیق‌تر درس تاریخ مؤثر است. ن ۱۸م،۶۰۲ ● درک زیباییهای جهان آفرینش در باورمندی به قدرت آفرینشگری پروردگار عالم در درس هدیه‌های آسمانی و درک بهتر معارف دینی اهمیت دارد. ن ۱۸م،۶۰۴ ● ضرورت برگزاری دوره‌های ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی، استفاده از کتب راهنمای تدریس در زمینه هنر و استفاده از هنر در سایر دروس. ن ۱۹م،۶۳۲ ● درک زیبایی‌شناسی و هنر است که ما را به خدانشناسی می‌رساند. ن ۱۹م،۶۳۲ ● هنر در ساخت وسایل دست‌ساز به دانش‌آموز کمک می‌کند. ن ۲۰م،۶۳۵ ● کمک به دانش‌آموز در درس هدیه‌های آسمان از طریق درک زیباییهای آفرینش. ن ۲۰م،۶۳۷ ● کمک به درک بهتر درس مطالعات اجتماعی از طریق تصاویر. ن ۲۰م،۶۴۶ ● کمک به درس علوم تجربی از راه پرورش حواس پنجگانه و تصاویر. ن ۲۰م،۶۴۷ ● کمک درس هنر به درس فارسی و مهارت در بیان. ن ۲۰م،۶۴۸ ● کمک درس هنر به درس ریاضی در درک تجسم فضایی اشکال هندسی. ن ۲۱م،۶۵۳
	۲. اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در کشف استعدادها و پرورش قدرت خلاقیت کودکان	● شناسایی استعداد کودکان در بدو ورود به مدرسه از طریق نقاشی و رنگ‌آمیزی. ن ۱م،۶۰ ● برای بالفعل شدن استعداد کودکان زمینه را فراهم کنیم. ن ۱م،۲۴ ● استعداد بالقوه کودکان باید بالفعل شود. ن ۵م،۱۷۷ ● معلم آموزش و تدریس را هنرمندانه و خلاقانه نماید تا زمینه پرورش خلاقیت و ذوق هنری کودکان فراهم شود. ن ۲م،۸۳ ● تجارب خلاقانه در فرایند تدریس و آموزش زمینه‌ساز کشف استعدادها و پرورش خلاقیت است. ن ۲م،۸۴ ● درس هنر خلاقیت را پرورش خواهد داد زیرا همراه با کارهای خلاقانه و عملی است. ن ۵م،۱۷۳ ● باید خلاقیت دانش‌آموزان را شکوفا کنیم. ن ۵م،۱۷۴ ● باید فعالیتها و بازی به عنوان هنر آموزش داده بشود چون همراه خلاقیت هستند. ن ۵م،۱۹۳ ● کار عملی هنری تفاوت خاصی به آموزش می‌دهد. ن ۱۶م،۵۲۹

جدول ۱. (ادامه)

مقوله کلی	مقوله‌های محوری	مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها
اصول ساحت تربیت‌هنری و زیبایی‌شناسانه (ادامه)	۳. اصل رمزگشایی و واکاوی و خلق معنا	● خلق آثار هنری یعنی رمزگذاری و معنابخشی. ن ۲۹۴ م ۸ ● کودک با دیدن تصویر تلاش می‌کند آن را بفهمد و رمزگشایی می‌کند و جذبش می‌شود. ن ۲۵۴ م ۷ ● رمزگشایی و فهم نقاشیهای زیبا باعث علاقه دانش‌آموزان نسبت به یادگیری درس می‌شوند. ن ۱۴۴۶۰ م ۱۴ ● بهترین راه ارتباط برقرار کردن از طریق هنر و تصاویر است زیرا مخاطب معنا را باید کشف کند. ن ۱۴۴۸۴ م ۱۴ ● از طریق نقاشی کردن و یا ساختن وسایل دست‌ساز خلاقیت خود را بروز دهد. ن ۱۱۳۴۶ م ۱۱ ● خط‌خطی کردن دانش‌آموز نوعی رمزگذاری است زیرا پشت هر خطی هدفی و معنا و رمزی هست. ن ۱۱۳۵۹ م ۱۱ ● تصویر تخیل یک دانش‌آموز را نشان می‌دهد. ۱۶۶ م ● تصویرهای کوچک مفهومیهای بسیار بزرگ را می‌رساند. ن ۱۲۴۱۳ م ۱۲ ● در قالب طنز می‌توانیم از خلق معنا استفاده کنیم. ن ۲۷۶ م ۷ ● خلق و کشف معنا تواناییهایی هست که در فرد وجود دارد و باید به او کمک کرد تا این فرایند عملیاتی شود. ن ۸۲۷۷ م ۸ ● رسم تصاویر توسط دانش‌آموز و تفسیر آن توسط خودش. ن ۱۰۳۱۵ م ۱۰ ● کشف معنا رسیدن به معنای کلی یک موضوع در هنر است. ۱۰۳۱۶ م ۱۰ ● خلق هنر، با توجه به قانون مجاورت و قانون مشابهت انجام می‌گیرد. ن ۱۲۳۴۷ م ۱۲ ● خلق هنر، نوعی رشد تدریجی هست. آموزش و تربیت می‌تواند تأثیرگذار باشد. ن ۱۱۳۵۲ م ۱۱ ● فهمیدن شکلهای و تصاویر نوعی کشف معنا و رمزگشایی است. ن ۱۱۳۵۳ م ۱۱

طبق جدول شماره ۱، فهم تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، از دیدگاه آموزگاران در سه حوزه اهداف، رویکرد و اصول قابل‌بررسی است که در این قسمت به‌ترتیب مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. اهداف

در بررسی و شناسایی فهم آموزگاران از تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، به نظر می‌رسد که فهم و درک آنان از اهداف مهم‌ترین و بنیادی‌ترین یافته است. شکوفایی زیبایی و هنر که ذاتی انسان است و اینکه هدف تربیت هنری لزوماً پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست از جمله این اهداف هستند. در ادامه به‌اختصار به هر یک از آنها می‌پردازیم.

الف) شکوفایی زیبایی و هنر: انسان ذاتاً دوستدار زیبایی و هنر است و به هر آنچه در وی تأثیر هنری و زیبایی‌شناسانه داشته باشد و حس زیبایی‌شناسانه وی را برانگیزد، علاقه‌مند است. نظام تعلیم و تربیت باید با فراهم آوردن زمینه مناسب این ویژگی ذاتی کودک را شکوفا کند. البته نقش نظام تربیتی و عناصر تربیت و از آن میان معلم، نقش کمکی و زمینه‌سازی است.

از نظر کولیر و همکاران (۲۰۱۸) هنر فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا تأمل و درکی عمیق‌تر از موضوعات داشته باشند و ایده‌های خود را شکل دهند و برای ابزار و بیان ایده‌های خود، روش‌های گوناگون را کشف کنند و نیز هنر را باید در ارتباطی کامل با زندگی و هدف زندگی در نظر بگیریم (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷).

ب) هدف تربیت هنری لزوماً پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست: با توجه به اینکه ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه یکی از ساحت‌های اساسی تربیت است که مبتنی بر ساحت‌های وجودی افراد است، این بعد از تربیت باید به نسبتی در همه افراد جامعه مورد توجه قرار گیرد. اگر چه برخی از افراد مورد تربیت، ممکن است استعداد و علاقه‌ای خاص نسبت به این ساحت داشته باشند که باید به‌طور تخصصی مورد تربیت قرار گیرند، سایر افراد در حد نیاز باید در بعد تربیت، مورد توجه قرار گیرند. در واقع هدف تربیت هنری، نه پرورش هنرمند حرفه‌ای، بلکه پرورش ادراک زیبایی‌شناسی در همهٔ متربیان است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

ج) شناسایی استعداد و شکوفایی خلاقیت و رشد همه‌جانبه ابعاد احساسی، عاطفی و شناختی متربیان: در واقع یکی از اهداف تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه، شناسایی استعداد و توانمندی‌های افراد و کمک به شکوفایی خلاقیت و رشد همه‌جانبه ابعاد احساسی، عاطفی و شناختی آنان است. در تربیت هنری، دانش‌آموزان محصول هنری ارزشمندی را تولید می‌کنند. در این مسیر، فهم و ادراک بصری آنها رشد می‌یابد و آشنایی با ابزار و شیوه‌های بیان هنری به آنها کمک می‌کند که احساسات درونی خود را بیان کنند (کارگذار و همکاران، ۱۳۹۸).

۲. رویکرد

رویکرد هنر همچون هدف و رویکرد هنر همچون ابزار دو رویکرد عمده ساحت تربیت هنری و زیباشناسانه حاصل از این پژوهش است.

الف) رویکرد هنر همچون هدف: یکی از رویکردها به تربیت هنر، تربیت هنر به دلیل ارزشمندی و جایگاه و اهمیت هنر است. چنانچه نگاه و رویکرد به هنر و تربیت هنری به دلیل ارزشمندی آن، خود هدف تربیت باشد و این نگرش در تدریس و یادگیری مورد توجه باشد، می‌تواند این فعالیت را جذاب و هیجان‌انگیز سازد و اثرگذاری آن را بر دانش‌آموزان بیشتر کند (پورحسینی و همکاران، ۱۳۹۳).

ب) رویکرد هنر همچون ابزار: در این رویکرد هنر نه به دلیل اهمیت و ارزشمندی آن، که به دلیل بهره‌گیری ابزاری از آن برای دستیابی به اهداف دیگر مورد توجه است. منطقی که در حال حاضر در خصوص جایگاه و اهمیت هنر و تربیت هنری وجود دارد، دیدگاه ابزاری را به چالش می‌کشد و در مقابل بر نقش و جایگاه مهم و مرکزیت قائل شدن «تخیل» برای تجربهٔ زیبایی‌شناختی و ارتباطات بین تصور، زبان، تفکر و احساس تأکید می‌کند (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۹۵).

۳. اصول

اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در یادگیری سایر دروس و اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در کشف استعدادها و پرورش قدرت خلاقیت کودکان و اصل رمزگشایی و واکاوی و خلق معنا از اصول ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه حاصل از کدگذاری یافته‌های این پژوهش است.

الف) اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در یادگیری سایر دروس: از آنجایی که

هنر زمینه استفاده از یک چارچوب زیبایی‌شناسانه و نگاه به جهان هستی را پرورش می‌دهد (فتحی‌وآجارگاه، ۱۳۹۵)، در یادگیری سایر دروس و محتوای درسی تأثیرگذار است. تحلیلی که از طریق آموزش هنر پرورش می‌یابد، پشتیبانی ضروری برای سایر کارکردهای ذهنی فرد تحصیل کرده فراهم می‌آورد. از این رو نقطه آغازین در آموزش زیباشناختی عبارت از آموزش افراد برای درک مبتنی بر تحلیل است تا آنها را قادر کند محتوای ملموسی را درک کنند و سپس آن را در قالب تصویری که می‌تواند احساسات را منتقل کند، شکل دهد (فتحی‌وآجارگاه، ۱۳۹۵). در حقیقت درس هنر فرصتی را برای پرورش حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت، تسهیل یادگیری درسهای دیگر، بیان آزادانه احساسات، کشف مشکلات عاطفی و رفتاری، ابراز وجود و ارائه تجربه‌های شخصی، تلطیف عواطف، تشریک مساعی فکری، توسعه ارزشها و نظایر آن فراهم می‌آورد (کارگذار و همکاران، ۱۳۹۸).

ب) اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در کشف استعدادها و پرورش قدرت خلاقیت

کودکان: تربیت هنری و داشتن نگاه زیبایی‌شناسانه موجب پرورش قدرت خلاقیت کودکان می‌شود. رشد خلاقیت کودکان اهمیت بسیار دارد زیرا باعث ادراک حسی عمیق پدیده‌های هنری، پرورش و به‌کارگیری حواس مختلف، کسب آگاهی از تجربه‌های بصری و دیداری، تولید هنری، ارزش‌گذاری نقادانه شکل‌های بصری و نمایشی، کسب مهارت‌های لازم، شناخت و فهم تاریخی و فرهنگی، افزایش حساسیت دانش‌آموز نسبت به ابعاد زیباشناختی و توجه به طبیعت و عناصر موجود در آن می‌شود (کارگذار و همکاران، ۱۳۹۸).

ج) اصل رمزگشایی و واکاوی و خلق معنا: تأکید مبانی نظری تحول بنیادین در تربیت رسمی

و عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰) بر فراهم‌سازی زمینه‌های کسب شایستگی رمزگذاری و رمزگشایی برای متریبان به‌عنوان یک اصل در تربیت هنری مؤید این حقیقت است که این ظرفیت در تربیت هنری وجود دارد که توان متریبان را در خلق اثر هنری و یا در فهم ابعاد و رموز یک اثر، قدرت رمزگذاری و خلق معنا و رمزگشایی بالا ببرد.

■ نتیجه گیری ■

ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری یکی از شش ساحت اصلی در سند تحول بنیادین است. اهمیتی که سند تحول بنیادین برای هر کدام از پنج ساحت دیگر قائل شده، برای ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری هم قائل شده است. از طرفی هم ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، در فلسفه تعلیم و تربیت در دسته‌بندی ارزشها قرار دارد. در این پژوهش، پژوهشگر طبق مصاحبه‌هایی که از آموزگاران دوره ابتدایی شهر یاسوج انجام داده، در بخش اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دیدگاه آموزگاران این بوده است که زیباشناسی مورد توجه دانش‌آموزان است زیرا در ذات آنها نهفته است. انسان تابع زیبایی درونی است و انسان همیشه در پی زیبایی است. انسان چون خالقش زیباست، فطرتاً زیباپرست است، اما زیبادوستی بالقوه است که باید در فرایند تربیت بالفعل بشود.

اساس هر اقدامی در عرصه آموزش، هنر است. در حقیقت پایه زندگی انسان بر اساس هنر است. یافته‌ها در این زمینه، با نتایج برخی دیگر از پژوهشها همسویی دارند. به باور برخی پژوهشگران، هنر را باید در ارتباطی کامل با زندگی و هدف زندگی در نظر بگیریم (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، با توجه به نکات گفته‌شده درمی‌یابیم که هر جامعه نیازمند تربیت هنری و زیبایی‌شناسی است. دیدگاه آموزگاران در «پرورش ادراک زیبایی‌شناسی در متریان» این بوده است که به هوشهای چندگانه بستگی دارد چون بعضی در هوش منطقی، بعضی در هوش ریاضی و بعضی در هوش فضایی استعداد دارند و هوش کودکان در تمام زمینه‌ها کامل نیست و به علاقه و استعداد و تجربه‌های موجود و حس زیبایی دانش‌آموزان بستگی دارد. هدف کلی تربیت هنری کمک به رساندن انسانها به مرحله‌ای از تکامل است که به آن انسان می‌گویند. همچنین هدف پرورش حس زیبایی‌شناسی دمیدن روح تعهد در انسان است. احساسات و توانایی کودکان باید از راه هنر پرورش یابد. تربیت هنری تخصص خاص می‌خواهد و میان دانش‌آموزان یک کلاس تفاوت‌های فردی بسیار وجود دارد، از این‌رو هدف، پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست، بلکه پرورش ادراک زیبایی‌شناسی در متریان است.

رویکرد هنر همچون هدف و رویکرد هنر همچون ابزار، دو رویکرد عمده ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه حاصل از یافته‌های این پژوهش است. در رویکرد هنر همچون هدف، تربیت هنر به دلیل ارزشمندی و جایگاه و اهمیت هنر است. در رویکرد هنر همچون ابزار، هنر را نه به دلیل اهمیت و ارزشمندی آن، که به دلیل بهره‌گیری ابزاری از آن برای دستیابی به اهداف دیگر مورد توجه است. در جامعه امروزی هنر متأسفانه جهت‌گیری اقتصادی نیز دارد. در نظر بسیاری افراد هنر همچون ابزاری برای کسب درآمد است. با داشتن چنین نگاه و رویکردی و در پی آن طمع کسب درآمد بیشتر از این طریق، گاهی هنر و برای نمونه موسیقی راه افراط می‌رود و ضدفرهنگ می‌شود، یعنی مناسب با اهداف و اصول تربیت زیبایی‌شناختی و هنری نیست. با چنین رویکردی، در درس هنر، کمتر زمینه خلاقیتها برای آموزگاران فراهم شده‌است، در آموزش بیشتر کمیت مدنظر است تا کیفیت. در واقع، به درس هنر

در مقطع ابتدایی اهمیت درخور داده نمی‌شود.

فهم آموزگاران از اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، تأکید هنر بر پرورش حواس پنجگانه بود. آنان بر این باور بودند که حواس پنجگانه مانند حس بینایی و حس شنوایی، حس لامسه و انواع حسها باید پرورش و رشد پیدا کنند. درک کلی آنان از توجه به تربیت هنری و زیبایی‌شناختی در حکم یک اصل این بود که اگر در جامعه‌ای به اصل زیبایی‌شناختی توجه شود آن جامعه، جامعه‌ای رشدیافته و برخوردار از صلح و آرامش خواهد بود و به تعبیری جامعه‌ای خشن نخواهد بود. نکته‌های اساسی که آموزگاران در اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری تأکید بسیار داشتند عبارت بودند از: توجه به اصل جامعه‌پذیری، تأکید بر پرورش تخیل دانش‌آموزان، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان. شناخت معلم نسبت به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان سبب می‌شود که هر استعدادی در همان بعد پرورش یابد و رشد کند. درک زیباییهای جهان آفرینش، طبیعت و چهار فصل مهم‌ترین موضوعاتی‌اند که دانش‌آموزان با نقاشی کردن آنها زیباییهای جهان آفرینش را درک می‌کنند و از این طریق به آفریننده مخلوقات علاقه‌مند می‌شوند.

از محدودیتهای مطالعات کیفی تعمیم یافته‌ها است که شامل یافته‌های این پژوهش هم می‌شود. نداشتن اطلاعات کافی برخی از مصاحبه‌شوندگان از ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری و آموزش تخصصی هنر در مقطع ابتدایی از دیگر محدودیتهای این مطالعه بود. پیشنهاد می‌شود برای شناخت جامع نسبت به فهم تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، پژوهشی با عنوان فهم تربیت زیبایی‌شناختی و هنری از دیدگاه آموزگاران دوره ابتدایی و متوسطه اول در سایر جوامع آماری (سایر استانها) انجام شود. ترغیب کردن آموزگاران و دانشجویان به فعالیتهای هنری و زیبایی‌شناختی و برگزاری کارگاههای ضمن خدمت آموزشی در زمینه ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری و استفاده از اساتید مجرب در حوزه ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، در دانشگاهها و کارگاههای آموزشی ضمن خدمت نیز از پیشنهادات کاربردی این پژوهش است.

- ابراهیم زاده، عیسی. (۱۳۹۲). فلسفه تربیت (علوم تربیتی). تهران: دانشگاه پیام نور.
- الیاس، جان. (۱۹۹۵). فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر)، ترجمه عبدالرضا ضرابی (۱۳۸۵). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- امینی، محمد. (۱۳۹۷). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش. تهران: انتشارات آبیژ.
- ایمان، محمدتقی و محمدیان، منیژه. (۱۳۸۷). روش شناسی نظریه بنیادی. روش شناسی علوم انسانی، ۱۴ (۵۶)، ۳۱-۵۴.
- پورحسینی، محمد؛ سجادی، سیدمهدی و ایمانی، محسن. (۱۳۹۳). تبیین دلالت های دیدگاه دیویی در خصوص هنر و زیباشناسی و نقد دلالت های آن برای فرایند تدریس و یادگیری. پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۲ (۷)، ۸۳-۱۰۰.
- تسلیمان، ناصر؛ سرمدی، محمدرضا و سیفی، محمد. (۱۳۹۶). تبیین جایگاه ادراک زیباشناسانه در تعالی ذهنی یادگیرندگان و ارائه الگوی مفهومی برای برنامه درسی هنر. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۴ (۲۸)، ۷۵-۹۰.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه اسفند ۱۳۹۱. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- رشید، خسرو؛ مهرمحمدی، محمود؛ دلاور، علی و قطریفی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی مراحل تحول زیباشناسی در دانش آموزان شهر تهران. نشریه نوآوری های آموزشی، ۷ (۴)، ۹۷-۱۲۴.
- رضایی، منیره. (۱۳۸۹). تربیت زیبایی شناسی و هنری با تأکید بر آراء برودی. تهران: نشر منادی تربیت.
- شرقی، حسن. (۱۳۸۶). آموزش هنر متناسب با فعالیت های زیباشناسانه، تولید هنری و مفاهیم وابسته. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، ۸۱-۹۲.
- فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۵). برنامه درسی به سوی هویت های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی. تهران: آبیژ.
- کارگذار، معصومه؛ کبک، حانیه و الداغی، آنتیا. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی در ایران و ژاپن. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۱۸ (۱)، ۱۱۳-۱۳۸.
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی دوره عمومی و نظری.
- هاشمیان، محمدحسین؛ میرزاحمدی، محمدحسن؛ رهنما، اکبر و دارابی، محمد. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی اندیشه های زیبایی شناختی علامه محمدتقی جعفری و جان دیویی و استنتاج دلالت های آن در تعلیم و تربیت. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶ (۳۹)، ۵-۳۴.

- Cannatella, H. (2020). Knowledge and learning in arts education: Neglecting theory and practice. *Journal of Aesthetic Education*, 54(2), 39-55.
- Collier, M., Sanchez, R. M., & Wix, L. (2018). Aesthetic education: Surviving challenging times. *Journal of Aesthetic Education*, 52(3), 107-120.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Sage Publications.
- Grierson, E. (2011). Art and creativity in the global economies of education. *Educational Philosophy and Theory*, 43(4), 336-350.
- Li, Z., Wang, Y., & Meng, F. (2018). Aesthetic cognitive module theory: A core structure. *Journal of Aesthetic Education*, 52(2), 71-80.
- Mark, M. L. (1999). A historical interpretation of aesthetic education. *Journal of Aesthetic Education*, 33(4), 7-15.
- Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *Beginning qualitative research: A philosophic & practical guide*. Falmer Press.
- Newton, D. P., & Donkin, H. (2011). Some notions of artistic creativity amongst history of art students acquired through incidental learning. *International Journal of Education through Art*, 7(3), 283-293.